
قطار ابدی

جواد ترشیزی

نشر گونش

۱۴۰۰

www.ketab.ir

PIR ۷۹۴۴
۳۵۸/۶۲
۷۹۴۴
فصل
قطار ابدی
جواد ترشی‌زی

نشر گزشتہ

ISBN: 978-622-9934-18-0

شاك: ٩٧٨-٦٢٢-٩٩٣٤-١٨-٠

کلیه حقوق چاپ، نشر، تکثیر و اجرا از آن نشر گوشه است.

مقدمه‌ی نویسنده

من فرزند جنگم. دقیقاً در کشاکش جنگ ایران و عراق به دنیا آمدم و این را می‌دانم که پدرم در زمانی که من در شکم مادر بوده‌ام مدتی را در جبهه گذرانده است. پس می‌توانم خودم را بخشی از این کارناوال بزرگ بدانم. سه‌ساله بودم که کشتی جنگ در ساحل قطعنامه‌ی ۵۹۸ آرام گرفت.

همین‌طور که بزرگ می‌شدم و سعی می‌کردم بفهمم زندگی در دوران پسا‌جنگ چگونه باید به شرایط طبیعی برگردد، با پدیده‌ی دیگری نیز روبه‌رو شدم. مهاجران افغانستانی که از جنگ گریخته بودند و به کشور ما پناه آورده بودند و به واسطه‌ی مرز مشترک تعدادشان در شرق کشور و زادگاه من بیشتر هم بود. برای ما که شهرمان از تمام خط‌مقدم‌های دنیا دور بود، نگاه به چهره‌ی درهم و مغموم آوارگان جنگی تنها راه درک سختی‌هایی بود که کشیده بودند؛ مثل آلمانی‌هایی که با نگاه به عمق چشمان سوری‌ها و عراقی‌های گریخته از چنگ داعش سعی داشتند دنیای آنها را درک کنند. در همان عالم بچگی این سؤال در ذهنم نقش بسته بود که ما با یک کشور دیگر می‌جنگیدیم قبول، افغان‌ها چرا با خودشان می‌جنگند؟ مگر می‌شود کسی با خودش بجنگد؟ همین‌طور که بزرگ و بزرگ‌تر می‌شدم جنگ‌های دیگری هم دیدم؛ جنگ کوزوو، جنگ سی‌وسه‌روزه‌ی لبنان، جنگ چندساله‌ی عراق، جنگ داخلی سوریه و بحران پناهجویان در اروپا، بحران منطقه‌ی قره‌باغ، داعش و طالبان و...